

بحث در موضوعات حقوقی

نسبی بودن حق

ضمن مقاله پیش دیدیم که هیچ حقی بطور مطلق وجود ندارد و بطور مثال در قسمت الف بنسبی بودن حق مالکیت اشاره نمودیم حال بذکر مثال دیگری می پردازیم:

ب - قانونگذار بکسی که حق او تزییع شده اختیار داده که برای رسیدن بحق خود بداد گاهها مراجعه نماید - بنابراین اگر بدهکار از پرداخت دین خود خودداری کند و یا مالک در تسلیم عین مستأجره قصور ورزد طلبکار یا مستاجر میتوانند بداد گاه رجوع کرده استیفاء حق خود را بخواهند - بنظر نگارنده این قبیل اشخاص که زیر بار بیعدالتی نمیروند و اگر کسی خواست حق آنها را پایمال کند با تمام قوا مقاومت مینمایند حق بزرگی بگردن جامعه دارند زیرا اگر بدهکاران یقین داشتند که هیچ طلبکاری برای رسیدن بطلب خود بداد گستری رجوع نمی کند اغلب ترجیح میدادند که بتعهد خود ایفاء نمایند و اگر امروز خوشبختانه قسمت مهمی از بدهکاران بدون چون و چرا بدهی خود را میپردازند برای اینست که یقین دارند در صورت مسامحه در پرداخت طلبکاران برای احقاق حق خود اقدام کرده و باتوسل بداد گستری آنها را ملزم با اجرای تعهد خواهند کرد بنابراین رجوع بداد گستری نه تنها جایز شمرده شده بلکه از نظر حفظ انتظام جامعه گاهی لزوم پیدا میکند تا مدیونین تکلیف خود را بدانند و از زیر بار تعهداتی که کرده اند شانه خالی نکنند با وجود این باید باین نکته متوجه بود که مشروعیت حق اقامه دعوی تا وقتی است که خواهان برای رسیدن بحق

خود اقدام بدان نماید اما اگر بمنظور دیگری طرح دعوی کند آنوقت دیگر سوء استفاده از حق شده و بطوریکه خواهیم دید خواهان مسئول خسارات وارده شناخته میشود مثل اینکه مردمانی پیدا میشوند که از داشتن دعوی در داد گاهها خوشوقت بوده و شاید اگر دعوا نداشته باشند خواب راحت نمیکنند از صبح تا شب در کاخ داد گستری در حرکتند و روزهای جمعه که تعطیل است بدترین ایام زندگی برای آنها شمرده میشود. راسین نویسنده معروف فرانسه ضمن یکی از کمدهای خود روحیه این نوع مردمان را مجسم کرده است پر واضح است که این نوع اشخاص بمنظور رسیدن بحق طرح دعوی نمیکنند و بهمین جهت در صورت محکومیت معمولاً داد گاههای فرانسه آنها را ملزم بپرداخت خسارت مینمایند. برخی دیگر منظورشان از اقامه دعوی فقط اذیت ب مردم است و نظری برسیدن بحق خود ندارند این قبیل اشخاص فقط برای ناراحت کردن مردم چندین دعوی پشت سر هم بر علیه خواننده که شاید اغلب از بستگان خودشان هم باشد طرح کرده و باین ترتیب آنها را آزار می دهند. پاره دیگر از اینجهت اقامه دعوی میکنند که خواننده را تهدید کرده و بطور غیر مستقیم در خواست های غیر مشروعی که از او دارند عملی نمایند.

خواهانهاییکه از نظر گذرانندیم حق اقامه دعوی را بجای خود مصرف نکرده و بعبارت دیگر سوء استفاده از حق مینمایند زیرا وسیله اقامه دعوی را از غرض اصلی آن منصرف کرده و برای تأمین مقصد دیگر بکار میبرند رومی ها در اواخر کاملاً متوجه معایب کار شده و این

قبیل خواهان هارا کیفر میدادند داد گاههای فرانسه هم امروز کسانی را که بقصد اذیت اقامه دعوی کرده یا جنون طرح دعوا را دارند یا برای رسیدن بمقصد دیگری بر علیه کسی دادخواست می دهند محکوم به پرداخت خسارت میکنند و اغلب در احکام داد گاههای فرانسه این عبارت دیده میشود « حق اقامه دعوی حربۀ خطرناکی است که باید در استعمال آن نهایت احتیاط و مراقبت را بکار برد و مخصوصاً در اعمال آن حسن نیت داشت و سالیلی که قانونگذار برای رسیدن بحق پیش بینی کرده نباید در غیر مورد صرف شده و بفرض بی عدالتی بکار رود»

در مورد توسل بطرق اجرائی نیز ممکن است مسئله سوء استفاده از حق پیش بیاید مثل اینکه اگر طلبکاری درست در موقعی که بدهکار مشغول جمع آوری امور خود بوده و بکارهایش سر و صورتی می داده بر علیه او اقامه دعوی کند و او را وادار بتقاضای ورشکستگی نماید داد گاهها او را محکوم بپرداخت خسارت مینمایند زیرا خواهان در موقع غیر مناسبی این تقاضا را نموده و بعبارت دیگر سوء استفاده از حق اقامه دعوی کرده است.

سوء استفاده از حق در عقود نیز مورد پیدای کند مثلاً هر کس می تواند هر عقدی را که بخواهد منعقد نماید معذک در بعض موارد قانون گذار اختیار او را محدود میکند مثل اینکه در ماده ۲۱۸ قانون مدنی ایران مقرر شده هر گاه معلوم شود که معامله بقصد فرار از دین واقع شده آن معامله نافذ نیست قانونگذار از این جهت اختیار متعاملین را محدود کرده است که معامل خواسته است معامله را بضرر دیان انجام دهد - هر کس حق دارد از انجام معامله خودداری کند و وجود این حق بدیهی است و هیچکس نمیتواند در آن تردیدی داشته باشد در بادی امر هم شاید بنظر بیاید که این حق

بطور مطلق برای اشخاص موجود است زیرا طبق تعریفی که از عقد شده برای انعقاد آن دو طرف لازم است که تعهدی از روی رضا بنفع یکی یا هر دو بنماید و اگر یکی از طرفین نخواهد عقدی را منعقد کند ظاهراً هیچکس را بر او حق تعرض نیست و سوء استفاده از حق در اینجا مورد ندارد بعبارة دیگر خیلی بعید بنظر میاید که خودداری از انجام عقد موجب خسارت شناخته شود با وجود این داد گاهها در عمل نیز سوء استفاده از حق را در اینجا دخالت داده اند و گفته اند اگر صاحب مهمانخانه یا رستوران بدون جهت موجهی از پذیرائی واردی خود داری کند سوء استفاده از حق نموده و عمل او خسارت آوراست زیرا درب رستوران یا مهمانخانه معمولاً بطور عموم برای همه کس باز است و دلیل ندارد که صاحب مهمانخانه یا رستوران فقط بصرف اینکه از قیافه مشتری خوشش نیامده یا با او سابقه سوء داشته از ورود او جلوگیری کند - داد گاه ها در تفسیر بشروط ضمن العقد نیز مسئله سوء استفاده از حق را سرایت داده اند مثل اینکه در فرانسه معمولاً ضمن عقد اجاره نوشته میشود مستأجر بدون اجازه موجر حق واگذاری اجاره را ندارد. بعضی از مالکین تصور کردند که چنین شرطی بطور کلی بآنها حق می دهد که از واگذاری اجاره ب دیگرى مانع شوند ولی دیوان کشور فرانسه و داد گاههای استان این اختیار را که مالکین برای خود قائل شده بودند موجه ندانسته و گفته اند که موجر باید جهت مشروعی برای ندادن اجازه داشته باشد و هر گاه صرفاً بقصد اذیت کردن مستأجر یا از روی هوا و هوس از دادن اجازه خودداری کند مستأجر میتواند بداد گاه مراجعه کرده و با موافقت داد گاه اجاره را ب دیگرى واگذار نماید •

مواردی که سوء استفاده از حق پیش می آید منحصر

اختلاف کلی پیدا میشود.

طبق قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ و ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۹ اگر نام کسی در روزنامه یا مجله برده شود آن شخص حق دارد از مدیر روزنامه یا مجله درخواست کند که پاسخ او را نیز در شماره های آتی تحت شرایط معینی منتشر نماید این حق لازمه آزادی مطبوعات است و برای تعدیل آن بهترین وسیله بشمار میرود در حقیقت این حق بمنزله دفاع مشروعی است که قانونگذار در مورد حمله های ناروای مطبوعات قائل شده در اینجا نیز بحثی که در بالا کردیم پیش آمده بعضی میگویند حق انتشار پاسخ از حقوق مطلقه بشمار میرود و مدیر روزنامه یا مجله ملزم است پاسخی را که باین ترتیب فرستاده میشود منتشر کند هر چند طرز انشاء آن مناسب با درج در مجله یا روزنامه نباشد و یا عبارات غیر متناسبی در آنجا بکار برده شده باشد. برخی دیگر میگویند این حق به طور مطلق وجود نداشته و نسبی است باین معنی که ممکن است گاهی سوء استفاده هم در استیفاء آن بشود. چندین سال پیش چنین دعوائی در دادگاه فرانسه بین مدیر تماشاخانه کمندی فرانسه و مدیر مجله دوموند طرح شد این قضیه باندازه اهمیت پیدا کرد که هنوز از خاطره ها فراموش نشده است شرح آن اینست که مسیو دومیک در سال ۱۹۱۹ مقاله راجع به ترجمه پرس دشیل در مجله دوموند نکاشت در مقاله چیز زننده یافت نمیشد با وجود این بنظر مدیر کمندی فرانسه رسید که آن را بدون پاسخ نگذارد و یادداشتی برای مجله نوشت مدیر مجله از درج آن خودداری کرد و از همین جا دعوا شروع شد نکته حساس دعوا این بود که آیا حق درج پاسخ کسی که اسم او در روزنامه برده شده مطلق است یا نسبی - دیوان کشور فرانسه بموجب حکم صادر در ۲۱ مه ۱۹۲۴ با دلایلی عقیده خود را بمطلق بودن این حق اظهار داشت بنظر نگارنده درست است که بموجب قانون میبایستی پاسخ

به سائل معینی نیست در هر يك از موضوعات حقوقی اعم از حقوق اثباتی یا حقوق منفی (مثل خودداری از انعقاد عقد) حقوق عینی یا حقوق دینی - حقوق ناشی از قرارداد یا غیر آن این اصل ممکن است مورد پیدا کند.

با وجود این دادگاههای فرانسه حقوقی را بطور

مطلق قائل شده اند مثل حق پدر و جد نسبت بمخالفت با ازدواج اولاد. حق مالك نسبت بقطع شاخه های درخت همسایه که در فضای ملك او داخل شده - حق تقاضای افراز از این گونه حقوق در آنجا بدون اینکه جهات موجهی در بین باشد میتواند استفاده کرد - در بعض موارد هم اشکال هنوز حل نشده و معلوم نیست آیا اصل سوء استفاده از حق در آنجاها جاری است یا نه. مثل اینکه در فرانسه مالك میتواند تقاضا کند در دیواری که بین ملك او و ملك همسایه قرار دارد مالك مشاع گردد آیا در این صورت همسایه میتواند بگوید که خواهان هیچگونه منظور عقلانی ندارد و فقط این تقاضا را بمنظور اذیت و آزار او نموده است - آیا خواهان میتواند با پاسخ دهد که این حق برای او بطور مطلق شناخته شده و الزامی ندارد جهت استفاده خود را تعیین کند - دادگاههای فرانسه عقیده دارند که این حق بطور کلی برای هر مالکی موجود است ولی دادگاه استان گان بلژیک عقیده بخلاف این داشته و میگوید اگر خواننده ثابت کند که خواهان احتیاجی به ملکیت بالا شاعه ندارد و بترتیب فعلی هم میتواند از دیوار استفاده کند چنین حقی را نخواهد داشت بنابراین عقیده دادگاه بلژیک برخلاف نظر دادگاه های فرانسه است در اینجا است که انسان بیاد پاسکال فیلسوف بزرگ فرانسوی میافند که میگوید حق و ناحق در دنیا نسبی است چیزی که در کشوری حق تشخیص شود در خارج از مرز او ممکن است ناحق شناخته شود بادو سه درجه تفاوت در عرض جغرافیائی بین قوانین مختلف و رویه دادگاههای کشورها

شخصی که نام او در روزنامه یا مجله برده شده در همانجا منتشر گردد ولی در عین حال اگر در اثر این انتشار خسارتی بمدير روزنامه یا مجله وارد شد پاسخ دهنده نیز ملزم است از عهده خسارات وارده بر آید.

حال که دیدیم مسئله سوء استفاده از حق تازگی اهمیت بسزائی را پیدا کرده میخوایم بدانیم رویه دادگاه های فرانسه و عقیده دانشمندان در این موضوع بر اساس محکمی قرار دارد یا اینکه روی احتیاج روز دادگاهها موقتاً نظری اتخاذ نموده اند و شاید چندی بعد هم آن را متروک دارند - با کمی امعان نظر در قوانین کشور های دیگر مشاهده می کنیم که در همه جا مسئله سوء استفاده از حق عنوان پیدا کرده است مثل اینکه مواد ۲۲۶ و ۸۲۶ قانون مدنی آلمان و ماده ۲ قانون مدنی سوئیس باین موضوع اختصاص پیدا کرده - بررسی در قانون مدنی سوئیس از این جهت بیفایده نیست در اینجا پس از ذکر عبارت « هر کس باید از روی حسن نیت از حقوق خود استفاده کرده و تعهدات خود را بموقع اجرا گذارد » قانونگذار اضافه مینماید که « سوء استفاده از حق را قانون حمایت نمی کند » در اینجا منظور از سوء استفاده نه تنها موردی است که شخص بقصد اضرار غیر حق خود را استیفاء نماید بلکه مواردی که حق بمنظور اجتماعی آن اعمال نشده نیز شامل میگردد. در ماده ۱۴۸ قانون مدنی چین نیز بدین مطلب اشاره شده است به بیان زیر :

« که منظور اساسی از استیفاء از حق نباید اضرار بغير باشد » در ماده ۱۳۵ قانون مدنی لهستان نیز این موضوع دیده میشود : « کسی که عمداً یا از روی بی مبالائی در مقام استفاده از حق خود بدیگری خسارتی وارد آورد مسئول جبران آن خواهد بود » و ماده ۱۲۴ قانون مدنی لبنان که در ۱۱ اکتبر ۱۹۳۴ بموقع اجراء گذاشته شده باین موضوع اشاره مینماید : « کسی که در مقام استفاده از حق در نتیجه تجاوز از متعارف و یا انحراف از غرض

وضع حق خسارتی بدیگری وارد آورد مسئول خواهد بود » همین فکر ضمن قانون تعهدات فرانسه و ایتالی قمره ۲ ماده ۷۴ پیش بینی شده است .

با این تفصیل معلوم میشود که این مسئله از قبیل افکار تند موقتی نیست که مانند برق درخشیده و زود سپری شود بلکه بالعکس بر پایه استواری قرار داشته و روز بروز دایره آن توسعه پیدا کرده و اهمیت زیادتری را نزد قانونگذاران و دادگاهها پیدا میکند .

در عین حال نباید تصور کرد که در مقابل پیشرفت مسئله سوء استفاده از حق مخالفین آن حربه خود را بکنار نهاده دست روی دست گذاشته و دیگر از اعتراض و ایراد صرف نظر کرده اند - این گروه هنوز در مخالفت خود باقی هستند و می گویند این مسئله موجب شده است که دادرس دارای اختیار وسیع گردیده و در افکار و اعمال مردم نظارت کرده و غرض آنها را مورد نظر قرار دهد و با این ترتیب دیگر امنیت قضائی معنی نخواهد داشت و بهیچوجه نمیتوان اطمینان کرد قرار دادی که امروز واقع شده آیا صحیحاً بعمل آمده و یا عمل قضائی که اکنون انجام میدهیم بعدها بعنوان سوء استفاده از حق مورد اعتراض واقع نشود این ایراد موجه بنظر نمیرسد زیرا دادرس در همه جا و در همه وقت حق داشته قصد و غرض اشخاص را در انجام اعمال قضائی مورد توجه قرار دهد در این مورد هم اختیار زیادتری را برای او قائل نشده ایم .

مسیو پلینیول و دوگی ایراد دیگری کرده اند که در بادی امر موجه بنظر میرسد این دانشمندان میگویند که در مفهوم سوء استفاده از حق تناقض موجود است زیرا اگر کسی حقی را اعمال می نماید دیگر سوء استفاده از آن معنی ندارد زیرا سوء استفاده از حق ملازم با نداشتن حق است و حق با ناحق جمع نمیشود بعبارت

قواعد الفقه مرحوم آقا شیخ علی بابا فیروز کوهی قید شده اختصاص به باب معینی ندارد و در تمام ابواب فقه جاری است.

نتیجه

حال وقت آن رسیده که از گفته‌های خود نتیجه بگیریم:

- ۱ - ممکن است شخصی در مورد استیفاء از حق خود تقصیر کار شناخته شده و مسئول واقع گردد.
- ۲ - هر حقی بمنظور خاصی وضع شده مثل این که بعضی از حقوق فقط بمنظور نفع صاحب حق مقرر شده مثل حق مالکیت برخی دیگر بغرض استفاده دیگری پیش بینی گردیده مثل ح. ولایت پدر نسبت بفرزند و بالاخره در بسیاری دیگر غرضی معهود نیست مثل حق تقاضای افراز.
- ۳ - در مسئله سوء استفاده از حق ملک غرض استفاده کننده است و فقط اغراضی که ممکن است دارای آثار قانونی باشد مشروع نخواهد بود.
- ۴ - در قوانین فعلی ایران هم بمسئله سوء استفاده از حق ضمناً اشاره شده و دادگاه‌ها میتوانند با منظور داشتن مقتضیات توسعه بیشتری بآن بدهند.
- ۵ - از آنجائیکه غرض صاحبان حق در مشروعیت یا عدم مشروعیت آن مؤثر است میتوان نتیجه گرفت که علم اخلاق در علم حقوق تأثیری بسزا نموده و باعث شده است که قواعد حقوقی متضمن اصول اخلاقی بوده و هر کجا که اصول حقوقی می‌خواهد از قواعد اخلاقی و عدالت دور شود آن را تعدیل نماید این آخرین نتیجه‌ایست که ماضن مقاله خود گرفتیم و توجه خوانندگان گرام راباهمیت آن جلب می‌نمائیم.

دکتر جلال عبده

روشن‌تر عمل واحد نمیتواند در عین حال مطابق با حق و مخالف با آن تشخیص شود باین ایراد ژوسرانند دانشمند بزرگ پاسخ داده است و میگوید که ایراد کنندگان در اینجا مغالطه نموده و بحق که در یکجا بمعنی حق شخصی (مثل حق مالکیت) و در جای دیگر حق موضوعی است (سوء استفاده از حق) معنی واحدی داده‌اند و حال آنکه وقتی میگویند مثلاً فلانکس دارای حق مالکیت است منظور این است که حق شخصی را داراست و اشکالی ندارد که این حق شخصی با حق بمعنی اعم یعنی مفهوم حق و عدالت بطور کلی منافات داشته باشد با این بیان سوء استفاده از حق موضوع پیدا میکند و ایرادی که دانشمندان بالا نموده‌اند وارد بنظر نمیرسد و می‌توان فرض کرد کسی در اثر اعمال حق شخصی خود برخلاف اصول حق و عدالت موضوعی زیانی بدیگری رسانده و مسئول خسارات وارده شناخته شود.

با مراجعه بماده ۱۳۲ قانون مدنی ایران میبینیم که قانونگذار ما خواسته است سوء استفاده از حق را در اینجانبانیز بشناسد در اینجا مقنن میگوید کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضییع همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت و برای رفع ضرر از خود باشد بنابراین قانون مدنی نیز استفاده از حق مالکیت را بطور مطلق جائز ندانسته و معتقد است که اگر تصرف از حد متعارف خارج شد یعنی تصرف مالک از منظور اجتماعی تجاوز کرد یا برای رفع حاجت نبود و صرفاً از روی هوا و هوس انجام شد دیگر جائز شناخته نشده و مستلزم خسارت خواهد بود. حکم مذکور در ماده ۱۳۲ از مصادیق قاعده لاضرر و لاضرار است و منحصر بحق مالکیت نیست و چنانچه پیش گذشت ضمن ماده ۲۱۸ قانون مدنی پیش بینی شده است این قاعده بطوریکه در کتاب